

علی (ع) و انتخابات

از عنوان فوق ممکن است تعجب کرده باشید؛ انتخابات و جامعه بدوی و بی سواد چهارده قرن قبل؟!....

حق دارید تعجب کنید، انتخابات و مراجعه به آراء مردم، یعنی دموکراسی، محصول مدرنیته و دنیای جدید است، وگرنه قبل از انقلابات اجتماعی در اروپا، همواره و همه جا شاهان و سلاطین حکومت می‌کردند و مردم نقشی در سیاست و حاکمیت بر سرنوشت اجتماعی خویش نداشتند. همیشه در قالب تئوکراسی و آریستوکراسی و انواع عناوین و ادعاها، مستبدانی بر مردم حکومت می‌کردند.

حتی در یونان باستان نیز، که مهد دموکراسی نامیده شده، از ۴۰۰ هزار جمعیت شهر آتن فقط چهل نفر از اشراف و فیلسوفان حق رأی داشتند، یعنی از هر ده هزار نفر فقط یک نفر!! کارگران، دهقانان، زنان و بقیه طبقات متوسط همگی تابع همان اقلیت ممتاز بودند.

اگر این تحول در جوامع بشری مبارک و میمون بوده است و "مردم سالاری" و مراجعه به آراء اکثریت مردم برای تعیین سرنوشت جامعه از مهمترین دستاوردهای جدید بشریت است، جا دارد به بهانه شب شهادت آن آموزگار آزادی و عدالت، نگاهی از این منظر به نحوه به قدرت رسیدن آن امام و دیدگاه ایشان در مورد "مبنای مشروعیت نظام سیاسی" بیندازیم و به تناسب معضلات اجتماعی گسترده‌ای که متعاقب انتخابات نامیوم ریاست جمهوری اخیر در ایران پدید آمد، مقایسه‌ای میان ادعاها و عملکردها بنمائیم.

مسلماً در نظامات قبیله‌ای چهارده قرن قبل و در میان مردم بی‌سواد عربستان صندوق و برگه رأی یا کارت الکتروال و ابزار مشابه وجود نداشته است، اما تحقق بخشیدن به مردم سالاری در هر زمان و مکانی شیوه خاص خود را طلب می‌کند. مهم روح این رفتار است که باید رعایت شود وگرنه وجود صندوق و برگه رأی، همانطور که به کرات تجربه کرده ایم، مردم سالاری را تضمین نمی‌کند.

در نظامات دموکراتیک امروز انتخابات عموماً در دو مرحله انجام می‌شود؛ نخست رهبر یا نمایندگان مجلس از طریق "احزاب"، که کانون سیاست مداران و اندیشمندان به شمار می‌روند، برگزیده و به مردم معرفی می‌شوند، در مرحله بعد توده‌های مردم در صورت تمایل به کاندیداهای مورد قبولشان رأی می‌دهند.

دقیقاً همین شیوه، قبل از این که مجدداً سرنوشت مردم با تسلط بنی امیه، به دیکتاتوری فردی بازگردد، در مورد خلفای چهارگانه بعد از پیامبر اسلام اتفاق افتاد، البته با تفاوت‌هایی در شکل اجرائی آن. دو مرحله‌ای بودن انتخابات را مسلمانان صدر اسلام در قالب "شورا و بیعت" انجام می‌دادند. شورای مسلمانان که نقش امروزی احزاب را ایفا می‌کرد، از "مهاجرین و انصار"، که از پایه‌گذاران جامعه اسلامی و جانبازان آن محسوب می‌شدند، تشکیل می‌شد. این گروه با "شورا"ی خود، فرد مناسبی را برگزیده و به مردم معرفی می‌کردند تا در صورت توافق با او "بیعت" کنند.

سه خلیفه نخست را هر چند مردم با "بیعت" آزادانه خود "انتخاب" کردند، اما متأسفانه شورای جامع و فراگیری که همه اهل حل و عقد (صاحب نظران) در آن حضور داشته باشند تشکیل نشد و این گزینش درحلقه بسیار محدودی (شبهه شورای نگهبان ما) انجام شد و مرحله نخست مردم سالاری (شورا) شتاب‌زده و نیم بند صورت گرفت.

با قیام مردم علیه خلیفه سوم، به دلیل گماشتن خویشاوندان نالایقش بر مصادر امور، توده‌های مردم سراغ علی (ع) آمدند و مُصرأً از او درخواست ولایت کردند. بحث حاضر اشاره‌ای است کوتاه به نحوه برگذاری "شورا"ی صاحب نظران، "بیعت" مردم با ایشان، عرضه برنامه‌ها و مواضع سیاسی و بالاخره دیدگاه امام نسبت به "مبنای مشروعیت نظام".

در مرحله "شورا" تشخیص امام بر این بود که ابتدا باید "مهاجرین و انصار" (به خصوص اصحاب بدر)، که نخبگان جامعه آن روزگار بودند، در مهلت و فرصتی کافی (سه روز) "مشورت" نمایند. لذا از بیعت با توده‌های انقلاب کرده مردم که سیل‌وار به سوی او آمده بودند امتناع کرد تا هم از شیوه‌های پوپولیستی و سوارشدن بر موج احساسات تحریک شده حذر کرده باشد و هم مردم را به رایزنی و اندیشه در راه حل‌های ممکن مدد رسانده باشد.

پس از آن که رأی همگان (حتی رقبایش طلحه و زُبیر) بر خلافت او تعلق گرفت، نگاه توده‌های مردم را برای بیعت پذیرفت. صحنه‌هایی که از روز انتخابات (بیعت عمومی) در نهج البلاغه گزارش شده است، نمایشی است از حضور باشکوه تمامی ملت؛ از زن و مرد و پیر و جوان، حتی کودکان و نوجوانان نابالغ و معلولان و بیماران. در جشن ملی، پس از ۲۵ سال برکناری و محرومیت ملت.

گزارش این صحنه‌ها را (که در خطب: ۳، ۵۳، ۹۱، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۷۱، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۲۹ و... نهج البلاغه و کتاب‌های شرح ابن ابی‌الحدید، بحار الانوار، تاریخ طبری و... آمده است) امام نه برای تبلیغ و خودستایی، بلکه در دوران بی‌وفائی یاران و فراموشکاری مردم بازگو کرده است تا یادآوری کند او بدنبال قدرت نبوده و آنها حکومت را بر او تحمیل کردند! تنها به ترجمه یکی از این گزارشات اکتفا می‌کنیم:

"دستم را (برای بیعت) گشودید، آن را پس زدم. کشیدید، من نگه داشتم. آن‌سان که اشتران تشنه به آبگیرها هجوم می‌آورند، بر من هجوم آوردید، چندان که بند کفش برید، ردا از دوش افتاد، ناتوان زیر دست و پا ماند. خوشحالی مردم در بیعت با من به حدی رسید که کودکان، شادمانه و پیران، لنگان و لرزان، و بیماران، با درد و رنج فراوان و دوشیزگان، بی نقاب به سوی من شتافتند".
(خطبه ۲۲۱ و در بعضی نسخ ۲۲۹)

انتخاباتی که برگزار شد (به تعبیری که در نامه اول فصل ۵ نهج البلاغه آمده است) در نهایت آزادی، با اختیار کامل و بدون هیچ اکراه و اجباری بوده است (بایعنی الناس غیر مستکرهین و لا مجبرین بل طائعین مخیرین). و به تعبیر دیگری (نامه ۵۴) مردم نه به خاطر ترس از سلطه حکومتی بیعت کردند و نه کالائی عرضه شده بود (قابل توجه ریاست جمهوری تحمیلی جمهوری اسلامی!).

اما جالب‌تر "اعلام مواضع" یا بیان برنامه سیاسی و تصریح به حقوق دوطرفه‌ای (میان ملت و رهبری) بوده است که شخص ایشان، یا نمایندگانشان در شهرهای دیگر، هنگام اخذ بیعت از مردم اظهار می‌داشتند. ذیلاً به شمه‌ای از آنها اشاره می‌گردد:

صبح روز جمعه‌ای که مردم برای بیعت با حضرت حاضر شده بودند در بیان مواضع خود فرمود:

ای انبوه مردم هوشمند، هیچ کس در حکومت بر شما حق اختصاصی ندارد مگر آن کس را که شما خودتان امیر کنید (بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۶۷ چاپ تبریز).

کلیدهای اموال شما (بیت المال) با من است اما بدانید که بر من جایز نیست بدون اجازه و نظر شما درمی از آن خرج کنم. آیا به این کیفیت راضی هستید؟! "

تعهد فوق را مقایسه کنید با "مبسوط الید"!! بودن متولیان حکومت ما که میلیاردها سرمایه مملکت و درآمد سرشار نفت را به تشخیص خود و بدون اطلاع مردم، حتی اطلاع نمایندگانشان در مجلس، به کشورهای دلخواهشان می‌دهند و بخش اعظم بودجه مملکت را خارج از حسابرسی دولتی خرج می‌کنند!!

عمار یاسر با چنین عبارتی برای حضرت علی از مردم بیعت می‌گرفت:

"ما بر اساس کتاب خدا و سنت رسول (قانون اساسی جامعه دینی آن روزگار) با شما بیعت می‌کنیم. اگر بر آن وفا نکردیم، حق اطاعتی بر شما نداریم و بیعتی برگردن شما نیست. فقط قرآن امام ما و امام شماسست" (بحار الانوار ج ۸).

در "مصر" قیس بن عباد این چنین برای حضرت علی از مردم بیعت می‌گرفت:

"برخیزید و بر کتاب خدا و سنت پیامبرش بیعت کنید، پس اگر ما در میان شما به کتاب خدا و سنت رسول عمل نکردیم، بیعتی برگردن شما نداریم" (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۵۵۱).

حتی پس از ضربت خوردن، هنگامی که مردم با اندوه فراوان برای کسب تکلیف از او سنوال می‌کردند: "در صورتی که شما را از دست بدهیم، آیا با حسن (ع) بیعت نمائیم؟" فرمود:

"این کار را نه بشما امر و نه نهی می‌کنم، خودتان بهتر می‌دانید! (مروج الذهب).

پس از شهادت امام، عبدالله بن عباس بیرون آمد و گفت:

"امیرالمؤمنین وفات یافت و فرزندی (امام مجتبی) از او باقی مانده، اگر می‌خواهید برای شما بیرون بیاید (زاممدار شود) و اگر نمی‌خواهید هیچ کس بر گردن شما حقی ندارد.

سلام خدا و فرشتگان و بندگان بر او باد که بنیاد مردم سالاری را در اسلام بنا کرد و الگویی از عدالت و آزادی گذاشت.